



این است که فیلم به دو حالت می‌تواند دیده شود. یک حالتش اتفاقی است که برای این زوج و فرزندشان در سطح رخ می‌دهد و تمام حوادثی که در طی داستان با آن روبه‌رو می‌شوند و نهایتاً سرانجامی که برای آن‌ها رقم می‌خورد. یک دیدگاه و یا یک نوع دیگر که بیننده فیلم را دیده و دریافت کرده که بیشتر هم مد نظر من بوده، این است که فیلم در لایه‌های زیرین به مسائل مختلفی اشاره می‌کند که در واقع این از ابتدا شروع می‌شود و در ادامه داستان به سوال‌هایی که برای بیننده پیش می‌آید و اتفاقاتی که می‌افتد پاسخ می‌دهد و بیننده را هدایت می‌کند تا به مفهوم پایانی نزدیک تر شود. کسانی بودند که در اولین تماشای فیلم به آن نکات واقف بودند و از شروع تا پایان فیلم درگیر آن بودند، آن را دنبال کردند و لذت بردند و شاید به هیچ عنوان کندی احساس نکرده‌اند. کسانی هم بودند که در دومین و سومین تماشای فیلم این نکات را متوجه شدند و شاید در نخستین باری که فیلم را تماشا می‌کردند یک سری مسائل از نگاهشان جا مانده یا از قلم افتاده که باعث شده در ادامه داستان آن نتیجه و جوابی که شاید در یک صحنه می‌توانستند دریافت کنند را نکرده‌اند و آن صحنه یا سکانس خاص کند یا تکراری به نظرشان آمده‌است. من برای بیننده احترام بسیار زیادی قائل هستم و احساس می‌کنم هر شخصی می‌تواند یک برداشتی را از فیلم و داستان داشته باشد و آن برداشت محترم است. من شخصا به عنوان کسی که سعی کرده به نوعی این داستان را روایت کند، تلاشم بر این بوده که این اتفاق نیفتد و تمام لحظات فیلم مفید باشد و هیچ صحنه و حتی هیچ فریمی بی‌دلیل در فیلم نباشد؛ امیدوارم که تا حدودی به این هدف رسیده باشیم.

راه آن جهان ببرد و او را با کاراکتر همراه کند. از این لحاظ برای من خیلی مهم بود که فضا سازی به نوع درستی انجام شود؛ چون زمانی که این اتفاق می‌افتد حتی کوچک‌ترین لحظات می‌تواند برای بیننده دلهره‌آور باشد. به این علت که خودش را در آن فضا پیدا می‌کند و در نتیجه تاثیر یک اتفاق دلهره‌آور می‌تواند چندین برابر شود. از این بابت ما قطعاً آن قواعد را رعایت کردیم اما همانطور که پیش‌تر گفتم، در نهایت هدف فیلم روایت داستانی است که می‌خواست در زیر لایه‌ها مطرح کند و نه صرفاً ساخت فیلم ترسناک.

یکی از ویژگی‌های «آن شب» فیلمبرداری خاص آن است که تلاش می‌کند شبیه فیلم‌های بین‌المللی دیگر استانداردها را رعایت کند. حین فیلمبرداری چقدر توجهتان به این بود که میزانشن‌هایی داشته باشید که فیلم را از قالب ایرانی بودن در بیاورد؟

بله، قطعاً فیلمبرداری از ویژگی‌های خاص و مهم فیلم است چون همه چیز سنجیده انجام شده و فیلمبرداری و این نوع نورپردازی با این هدف انجام شد که در خدمت داستان باشد و در ساختن فضاها کمک کند. به هیچ عنوان تلاش بر این نبوده که فیلم شبیه به فیلم‌های بین‌المللی شود و بخواهد مشابه آن‌ها استانداردها را رعایت کند. فیلم‌بردار ما ماز با مکانی فردی است که سال‌ها در سینمای هالیوود فعالیت داشته و به نحوه فیلمبرداری و نورپردازی در آنجا شناخت کامل دارد.

با توجه به آموخته‌هایی که داشته‌ام، هدف من همیشه در ساخت فیلم، خصوصاً فیلم «آن شب» با این هدف که در سینماهای ایران دیده شود این بوده که فیلم هم از لحاظ داستانی و هم به لحاظ کیفیتی در خور بیننده ایرانی باشد و من همیشه با این هدف پیش رفته‌ام که فیلم، حس، فرم و استانداردهای فیلمسازای فضای هالیوود را رعایت کند. از این بابت تمام گروه و افرادی که در این اتفاق سهیم بودند تلاش کردند تا ما به بهترین شکل و با همان استانداردهایی که در هالیوود کار می‌شود کار کنیم تا فیلم به بهترین شکل ممکن نمایش داده شود.

عده‌ای معتقدند «آن شب» شروع خیلی خوبی دارد و مخاطب را میخکوب می‌کند اما در ادامه با کش دادن موقعیت ماندن در هتل و مخوف کردن، کمی از ریتم می‌افتد. شما چقدر این نقد را می‌پذیرید؟

نکته‌ای که من در طی اکران فیلم چه در جشنواره فجر و چه در سینماهای امریکا و باز خورد مخاطبین و منتقدان متوجه شدم



با توجه به آموخته‌هایی که داشته‌ام، هدف من همیشه در ساخت فیلم، خصوصاً فیلم «آن شب» با این هدف که در سینماهای ایران دیده شود این بوده که فیلم هم از لحاظ داستانی و هم به لحاظ کیفیتی در خور بیننده ایرانی باشد

من حقیقتاً هیچوقت چنین احساسی نکردم که شاید بیننده ایرانی که بیشتر طرفدار فیلم‌های دیالوگ‌محور است، این فیلم را پس بزند. چون به هر حال اصالت سینما و داستان‌گویی بر اساس تصویر است و حتی من فکر می‌کنم گاهی اوقات این تصاویر هستند که ماندگارتر می‌شوند تا حرف‌ها؛ از این بابت که شاید تصاویر در ذهن بیننده شکل بگیرد و برای مدت طولانی‌تری همراه او بماند. به هر حال احساس می‌کنم بیننده ایرانی از هوش خیلی بالایی برخوردار است و حتی شاید برای داستانی که بیشتر از طریق تصویری و بصری مفهوم خودش را می‌رساند ارزش بیشتری قائل شود. بنابراین از این بابت هیچوقت احساس نگرانی نکردم.

به واسطه کم کردن هزینه‌ها تلاش کردید که تعدد لوکیشن را به حداقل برسانید یا صرفاً به ایجاب قصه در این موضوع فکر کردید؟

خیر، این موضوع صرفاً به دلیل کم کردن هزینه‌ها نبوده‌است؛ قطعاً به آن کمک کرده اما خود داستان و اتفاقی که می‌افتد در همین تعداد لوکیشن و با همین تعداد کسب و باز یگر است و در واقع خودش را در این فضا نشان می‌دهد.

حالا که فیلم را از جایگاه مخاطب تماشا می‌کنید، جای خالی داستانک‌های بیشتر در دل فیلم را خالی می‌بینید؟

احساس می‌کنم که این داستان اتفاقاً داستانک‌های بیشتری در دلش است که اگر بیننده آن‌ها را دنبال کند شاید حتی این فیلم برای او جذاب‌تر هم بشود.

«آن شب» کم‌دیالوگ است و بیشتر موقعیت خود را نشان می‌دهد. در سینمایی که مخاطب ایرانی بیشتر به دیالوگ تمایل نشان می‌دهد نترسیدید که ممکن است یک عده زیادی از مخاطب را با این فرم از دست بدهید؟

بله، «آن شب» کم‌دیالوگ است و بیشتر از لحاظ بصری داستان خود را روایت می‌کند.